

تحلیل زبان‌شناختی کاربرد دشواژه در شهرستان شوشتر

رزا میرزایی^{۱*}، نگار داوری اردکانی^۲

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

A Linguistic Analysis of Taboos in Shoushtar

Roza Mirzaee^{1*}, Negar Davari Ardakani²

1. MA in Linguistics, Shahid Beheshti University

2. Associate Professor of Linguistics, Shahid Beheshti University

Received: 2016/12/16 Accepted: 2017/03/10

Abstract

Taboos, as a class of linguistic tools, reveal the users' personal emotions and feelings as well as sociolinguistic attitudes of the society. The objectives of the present study were to classify common taboo words used in Shoushtar city, Iran, and to examine the effect of social variables of age, gender, ethnicity and education on its usage. The present descriptive-analytic research was carried out by direct observation and a questionnaire. From among 160 examinees, 140 answered the questions completely and their answers were analyzed by means of statistic tests. The study indicates that both women and men of Shoushtar use 4 classes of taboo words when they are angry or upset. The results indicate that from among the above-mentioned social variables, age and gender have a significant effect on the use of these words ($P=0.015$); men use more taboo words than women and 15-19 year-old examinees use them more than the other age-groups. Moreover, the variables of ethnicity and education have no significant effect on the use of taboo words in Shoushtari language society ($P=0.89$).

Key Words: Sociology of Language, Taboo, Age, Gender, Ethnicity, Shushtar.

چکیده

دشواژه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای زبانی توأمان بیانگر عواطف و احساسات فردی و شاخص‌های جامعه‌شناختی هر منطقه است. هدف از انجام این پژوهش، طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج در شهر شوشتر و مطالعه تفاوت کاربرد آنها تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت، قومیت و تحصیلات است. ابزار این پژوهش توصیفی-تحلیلی مشاهده و پرسش‌نامه بود. ۱۴۰ نفر از میان ۱۶۰ آزمودنی به سوالات پرسشنامه به‌طور کامل پاسخ گفتند و پاسخ‌ها با توجه به آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد که هم زنان و هم مردان شهر شوشتر، بیشتر به هنگام عصبانیت و ناراحتی، از دشواژه استفاده می‌کنند و این دشواژه‌ها را می‌توان در یازده طبقه جای داد. نتایج نشان می‌دهد که از بین متغیرهای اجتماعی مورد بحث سن و جنسیت بر میزان به‌کارگیری دشواژه‌ها تأثیر معناداری دارد ($P=0/015$). مردان بیش از زنان و رده سنی ۱۵ تا ۱۹ سال بیش از دیگر رده‌ها از دشواژه استفاده می‌کنند. علاوه بر این، قومیت و سطح تحصیلات اثر معناداری بر کاربرد دشواژه‌ها ندارد ($P=0/89$).

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، دشواژه، سن، جنسیت، قومیت، شوشتر.

*Corresponding Author: Roza Mirzaee

Email: rosamirzaee.63@gmail.com

* نویسنده مسئول: رزا میرزایی

مقدمه

سخن گفتن از زبان بدون در نظر گرفتن نقش مهم و اساسی آن که برقراری ارتباط و تعامل میان افراد جامعه است، امکان‌پذیر نیست. هدف از برقراری ارتباط می‌تواند انتقال اطلاعات و بیان افکار و احساسات باشد. زبان گنجینه‌ای است که با تمام رفتارهای ما ارتباط تنگاتنگی دارد. از این رو، زبان پویا است و در نتیجه کاربرد زبان بسته به عوامل متعددی مانند سن، جنسیت، تحصیلات و غیره متفاوت است. همان‌طور که گفته شد، یکی از اهداف برقراری ارتباط بیان احساسات است، در همین رابطه، گاهی افراد برای نشان دادن احساسات خود از دشواژه استفاده می‌کنند. به طور کلی دشواژه به واژه‌هایی اطلاق می‌شود که برای توهین و یا نفرین به کسی یا چیزی به کار برده می‌شوند و کاربرد آنها با توجه به بافت تغییر می‌کند. در میان عوامل اجتماعی ذکر شده در بالا، جنسیت نقش مهمی در ارتباطات دارد. هولمز^۱ (۱۹۹۵: ۳۳۳) در این رابطه می‌گوید زنان و مردان به گروه‌های فرهنگی متفاوتی تعلق دارند و روش‌های به کار بردن زبان توسط آنان، برای برقراری ارتباط با یکدیگر متفاوت است؛ این تفاوت را می‌توان در کاربرد دشواژه‌ها نیز مشاهده کرد.

جامعه‌شناسی زبان عوامل اجتماعی مختلف، مانند جنسیت، سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، قومیت و غیره، و ارتباط متقابل آنها را با زبان مورد مطالعه قرار می‌دهد. لیکاف^۲ (۱۹۷۲) به مطالعه تبعیض زبانی نسبت به زبان زنان می‌پردازد. این تبعیض‌ها شامل چگونگی آموزش زنان در سخن گفتن و دیگری چگونگی رفتار زنان نسبت به زبان است. لیکاف معتقد است زنان جایگاه پیچیده‌ای در زبان دارند، زیرا از آنان انتظار می‌رود خانمانه، مشخص و مؤدبانه رفتار کنند. لیکاف ادامه می‌دهد که چگونگی برقراری ارتباط به شیوه‌ای متفاوت به دخترها و پسرها آموزش داده می‌شود و اینان وقتی رشد می‌کنند زبان‌های متفاوتی را یاد می‌گیرند. مشخصه‌های آرام و متین را متناسب گفتار دختران و ویژگی‌های خشونت و عصبانیت را به گفتار پسران نسبت می‌دهند.

سن گویشوران زبان نیز همانند جنسیت در اساس جنبه زیست‌شناختی دارد اما در بررسی‌های جامعه‌شناختی زبان به عنوان یک عامل اجتماعی مهم، که در پیدایش تنوع و گوناگونی در زبان نقش دارد، در نظر گرفته می‌شود. افراد در گروه‌های سنی مختلف، الگوهای رفتاری متفاوتی دارند که الگوهای رفتار زبانی نیز از جمله آنها است. ویژگی‌های زبانی مرتبط با عامل سن ممکن است جنبه واژگانی، آوایی یا دستوری داشته باشد. در سطح واژگان، هر گروه سنی ممکن است از اصطلاحات خاصی استفاده کند که در گروه‌های سنی دیگر کاربردی نداشته باشد و یا اساساً کاربرد کمتری داشته باشد. در نتیجه سن از جمله عوامل تأثیرگذار بر کاربرد دشواژه است (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

از جمله عوامل دیگری که در بوجود آوردن تنوع و گوناگونی زبانی مؤثر است، میزان تحصیلات است. در یک جامعه زبانی هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر باشد، آنها گنجینه زبانی گسترده‌تری در اختیار دارند. افرادی که تحصیلات کمتری دارند امکانات زبانی محدودتری در اختیار دارند و، در نتیجه، در بافت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف از گونه سبکی کم و بیش ثابتی، که معمولاً همان گونه محاوره است، استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که حتی در گونه سبکی محاوره‌ای، که همه گویندگان (اعم از تحصیل کرده و بی‌سواد) بر آن تسلط دارند، تفاوت‌های واژگانی، آوایی و دستوری قابل‌ملاحظه‌ای میان گفتار باسوادها و بی‌سوادها وجود دارد و این تفاوت‌ها گاه مطلق و گاه نسبی است. بنابراین، تحصیلات نیز می‌تواند بر کیفیت و کمیت کاربرد دشواژه تأثیرگذار باشد (همان، ۱۹۷).

هر زبانی دشواژه‌های خاص خود را دارد که دارای صورت‌ها، نقش‌ها و معانی متفاوت هستند. اگرچه دشواژه‌ها اهانت‌آمیز بوده و برای استفاده در هر شرایط و موقعیتی مناسب نیستند، با وجود این به دلایل مختلف بسیاری در مکالمات خود از دشواژه‌ها استفاده می‌کنند (روری، ۲۰۰۸: ۱).

در این پژوهش دشواژه‌های رایج در شهر شوشتر را طبقه‌بندی کرده و تفاوت گونه‌های گفتاری زنان و مردان شوشتر را از نظر کاربرد دشواژه‌ها با توجه به متغیرهای سن، جنسیت، تحصیلات و قومیت بررسی خواهیم کرد. علاوه بر این، به مطالعه دلایل کاربرد دشواژه‌ها نیز خواهیم پرداخت.

شهرستان شوشتر در شمال استان خوزستان قرار گرفته و از سمت شمال به کوه‌های بختیاری و شهرستان دزفول، از غرب به دزفول و شوش دانیال، از شرق به مسجدسلیمان، از جنوب به اهواز و از جنوب شرقی به رامهرمز محدود می‌شود. بر اساس وسایط شوشتر سیتی (بی‌تا) در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان شوشتر ۱۹۲،۳۶۱ نفر اعلام شده است. از این تعداد جمعیت ۱۲۶،۹۵۸ نفر در شهر شوشتر و ۶۵،۴۰۳ نفر در شهرها و روستاهای اطراف شهر شوشتر زندگی می‌کنند. مردم این شهرستان اکثراً به گویش‌های شوشتری و بختیاری تکلم می‌کنند. ترکیب قومیتی این شهرستان به ترتیب از ۴۱ درصد شوشتری، ۴۰ درصد بختیاری، ۱۸ درصد عرب و ۱ درصد سایر اقوام تشکیل شده است.

پیشینه پژوهش

سمائی (۱۳۸۲) به تمایز میان زبان مخفی و دشواژه اشاره می‌کند. وی زبان مخفی را یکی از گونه‌های اجتماعی زبان در نظر می‌گیرد که با

1. Holmes
2. Lakoff

قرار می‌دهد. وی اینگونه نتیجه می‌گیرد که کاربرد دشواژه در میان مردان بیشتر از زنان است، حوزه واژگانی دشواژه‌ها در میان زنان و مردان متفاوت است و دیگر اینکه میان استفاده از دشواژه‌ها و بافت کاربردی، تفاوتی میان زنان و مردان به چشم نمی‌خورد.

مدرسی (۱۳۸۷) با اشاره به تفاوت‌های جنسیتی زبان به حساسیت زنان در به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی اشاره می‌کند و این نکته را مطرح می‌کند که با توجه به نقش مهم‌تر زنان در آموزش زبان به کودکان، زنان ویژگی‌های زبانی را با سرعت بیشتری به نسل بعد انتقال می‌دهند. مدرسی بر این باور است که اگرچه وجود ناپیادهای زبانی در تمام جوامع محسوس نیست اما به‌طور قطع در هر جامعه‌ای اصول اخلاقی و اجتماعی وجود دارد که به منزله ناپیادهای زبانی است. علاوه بر آن، برخی فشارهای اجتماعی حاصل عدم توجه به این ناپیادهای است. اگر از این منظر به پدیده دشواژه نگاه کنیم، به نظر می‌رسد برخی اختلافات واژگانی میان زنان و مردان معلول پدیده دشواژه باشد. البته نمی‌توان تفاوت جنسیت را تنها ملاک میزان استفاده از دشواژه‌ها قرار داد بلکه، عواملی دیگر مانند سن، نژاد، قومیت، وضعیت اجتماعی، تحصیلات، فاصله اجتماعی و جنسیت مخاطب نیز در به‌کارگیری دشواژه نقش دارند.

شکیبا (۱۳۸۳) در پایان‌نامه خود با عنوان *تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی* به اهمیت بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها اشاره می‌کند. وی می‌گوید گاهی افراد هنگام عصبانیت از دشواژه استفاده می‌کنند و سن افراد، شغل و حساسیت آنها نیز بر میزان استفاده از دشواژه تأثیر دارد. شکیبا در پژوهش خود سه متغیر اصلی جنسیت، سن و تحصیلات را برای بررسی تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه، نوع مخاطب و دلایل کاربرد و یا عدم کاربرد دشواژه در نظر می‌گیرد.

ابهریان آزادی (۱۳۸۹) نیز در پایان‌نامه خود مطالعه‌ای تطبیقی میان به‌واژه‌ها و دشواژه‌های دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی انجام داده است. وی در این تحقیق علاوه بر بررسی ارتباط مؤلفه جنسیت با کاربرد به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها، تأثیر عوامل اجتماعی دیگری از جمله قومیت، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، حوزه معنایی و کاربردی را نیز در کاربرد متغیرهای زبانی مطالعه کرده است. وی بعد از بررسی داده‌های خود به این نتیجه رسیده که میان جنسیت، قومیت، حوزه معنایی، حوزه کاربردی و میزان کاربرد به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها و نیز میان عامل اجتماعی تحصیلات و میزان کاربرد به‌واژه‌ها رابطه معناداری وجود دارد، اما این رابطه معنادار میان سطح تحصیلات و میزان کاربرد دشواژه‌ها وجود ندارد. همچنین، میان عامل اجتماعی وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد به‌واژه‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد، در حالی که میان وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد دشواژه‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

مفهومی نهفته است و کاربرانی خاص آن را بکار می‌برند. هدف از این زبان غالباً بیان منظوری همراه با کنایه است و گزاره‌های زبان مخفی، برخلاف دشواژه‌ها، لزوماً مفاهیم توهین و بی‌ادبی به همراه ندارند. در معرفی زبان‌های مخفی، کالوه (۱۳۸۸) به فرایندهای واژه‌سازی زبان‌های مخفی در زبان فرانسه اشاره می‌کند و در همین راستا به مواردی از زبان مخفی در فرانسه، از جمله زبان و عبارات متون مربوط به زندانیان قرن چهاردهم فرانسه، زبان صدفیون، کلماتی درباره یکی از رهبران مشهور به نام کارتوش که در ژنو کشته شد و زبان مخفی گروهی از دزدان منطقه اورژر فرانسه، اشاره می‌کند.

لاچنیچت^۱ (۱۹۸۰) معتقد است که نباید تنها موارد مثبت اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد، بلکه می‌بایست موارد منفی را نیز بررسی کرد. در همین راستا، کالپپر^۲ (۱۹۹۶) نظریه بی‌ادبی خود را که متشکل از پنج سوپر-استراتژی زیر است ارائه می‌دهد:

(الف) بی ادبی آشکار: گوینده عبارات بی‌ادبانه را برای حمله به وجهه مخاطب به کار می‌برد.

(ب) بی‌ادبی مثبت: نادیده گرفتن و بی‌اعتنایی به دیگران، امتناع از توافق، نام گذاشتن بر شنونده و استفاده از کلمات تابو در این دسته جای می‌گیرند.

(پ) بی‌ادبی منفی: شامل مواردی مانند تحقیر، خوار شمردن یا مسخره کردن دیگران است.

ت) طعن: هدف از کاربرد این طبقه ناهماهنگی اجتماعی است. (ث) خودداری از ادب: در این موارد گوینده در جایی که عمل مؤدبانه مورد انتظار است، سکوت اختیار می‌کند.

با در نظر گرفتن نظریه بی‌ادبی کالپپر، باید گفت که ناسزاگویی^۳ و کاربرد دشواژه در شرایط مختلفی رخ می‌دهد از جمله هنگام عصبانیت یا ناامیدی. گاهی توانایی فرد را به چالش می‌کشیم تا وی ثابت کند تا چه حد شایستگی دارد و گاهی فردی را مورد تمسخر قرار می‌دهیم و در این شرایط معمولاً از واژگان بی‌ادبانه استفاده می‌کنیم.

در ادامه این بخش تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران و خارج از ایران را، که نقش متغیرهای اجتماعی را در کاربرد دشواژه‌ها بررسی کرده‌اند، معرفی می‌کنیم.

پژوهش‌های انجام‌شده در ایران

ارباب (۱۳۹۱) دشواژه‌های به کار رفته در گفتار ۵۰۰ گویشور زن و مرد شهر تهران را به لحاظ حوزه واژگانی آنها طبقه‌بندی کرده و با در نظر گرفتن عامل اجتماعی جنسیت، تأثیر بافت کاربردی دشواژه را مورد تحلیل

1. Lachenicht
2. Culpeper
3. swearing

قدرت هستند و از این جهت حق واژه‌سازی^{۱۰} دارند. وی ضمن اشاره به اینکه برخورد زنان و مردان با دشواژه متفاوت است، بر این باور است که مردان آزادی بیشتری در کاربرد این نوع کلمات، به ویژه در جمع مردانه دارند.

لیکاف (۱۹۷۲) بر این باور است که دختران و پسران از همان ابتدا می‌آموزند که دو گونه گفتاری متفاوت داشته باشند. به دختران جوان یاد داده می‌شود که مانند دوشیزه خانم‌ها رفتار کنند، در نتیجه گفتار دختران (زنان) بیشتر از پسران (مردان) به گونه مؤدبانه گرایش دارد. اگرچه موضع لیکاف در تأکید بر تأثیر عوامل اجتماعی بر تفاوت گفتاری میان زنان و مردان درست می‌نماید، اما وی به این موضوع توجهی نشان نداده که زنان چگونه می‌توانند با مهارت و تسلط از گونه مؤدبانه گفتار استفاده کنند و ارتباط خود را به طریقی هدایت کنند که به نفع خودشان باشد.

قنبر (۲۰۱۱) با در نظر گرفتن بافت اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر کاربرد تابوهای زبانی به بررسی آنها در جامعهٔ یمنی می‌پردازد. قنبر رویکرد «مؤدب بودن»^{۱۱} براون^{۱۲} و لوینسن^{۱۳} (۱۹۷۸ و ۱۹۸۷) را به عنوان چارچوب پژوهش خود برگزیده و به توصیف و طبقه‌بندی تابوهای زبانی جامعهٔ یمنی می‌پردازد. وی راه‌کارهایی مانند استفاده از ساخت‌های متضاد و استعاری را معرفی می‌کند که یمنی‌ها برای جایگزین کردن با دشواژه‌ها از آنها بهره می‌برند.

روش انجام پژوهش

داده‌های این پژوهش پیمایشی در دو مرحله گردآوری شد. در مرحله نخست به جمع‌آوری دشواژه‌ها به صورت شنیداری در مکالمات روزمرهٔ افراد در مکان‌های مختلف و ثبت آنها پرداختیم؛ در این مرحله در مجموع صد دشواژه جمع‌آوری شد. در مرحلهٔ بعد، که پاییز سال ۱۳۹۰ انجام شد، پرسش‌نامه‌ای را که در دو بخش تنظیم شده بود به صورت تصادفی در میان ۱۶۰ نفر توزیع کردیم. بخش نخست پرسش‌نامه شامل پرسش‌های کلی دربارهٔ افراد شرکت کننده، شامل جنسیت، قومیت، سن و تحصیلات آنها بود. برای متغیر جنسیت دو گزینهٔ زن و مرد و برای قومیت دو گزینهٔ شوشتری و لر بختیاری را در نظر گرفتیم. سن افراد را نیز به گروه‌های سنی ۱۵-۱۹، ۲۰-۳۰، ۳۱-۴۹، ۵۰-۵۹، ۶۰ و بالاتر تقسیم کردیم و آنها را از نظر سطح تحصیلی در گروه‌های بی‌سواد، زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا قرار دادیم. پرسش

پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای دیگر

سندرز^۱ و رایبسون^۲ (۱۹۷۹) معتقدند زنان ترجیح می‌دهند هنگام صحبت در مورد مسائل جنسی از لغات و اصطلاحاتی استفاده کنند که با اصطلاحات مردان متفاوت است و زمانی که زنان و مردان از دشواژه‌های یکسانی استفاده می‌کنند، دشواژه‌های آنها با توجه به جنسیت گوینده مفاهیم متفاوتی دارند. هولمز (۱۹۹۵) نیز با بررسی افراد طبقهٔ متوسط زلاندنو^۳ دریافت که زنان تمایل بیشتری دارند که مؤدب‌تر باشند، با وجود این به نظر هولمز ادب امری است که همواره وابسته به بافت است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

فاین^۴ (۱۹۸۴) به این نکته اشاره می‌کند که انگیزهٔ زنان و مردان برای استفاده از دشواژه متفاوت است و معتقد است که مردان بیشتر از زنان از دشواژه استفاده می‌کنند و افراد جوان نیز بیشتر از افراد مسن در گفتار خود دشواژه به کار می‌برند.

کامرون^۵، مک الیندن^۶ و اولیری^۷ (۱۹۸۹) با اشاره به دیدگاه خود زنان نسبت به جایگاه اجتماعی آنها، معتقد است زنان خود بر این باورند که در فرایند اجتماعی شدن «مؤدب بودن» به آنها آموخته شده و این گونهٔ زبانی خاصی را به همراه دارد که دربرگیرندهٔ مفاهیم ضعیف، بی‌اراده و متمایز از مرد است. وی با اشاره به موقعیت جنسی زنان و محدودیت‌های آنان در به‌کارگیری دشواژه و زبان عامیانه ادامه می‌دهد که شاید تصور شود که در فرهنگ‌های مدرن غربی چنین محدودیت‌هایی برای زنان وجود ندارد، اما در واقع چنین نبوده و این محدودیت‌ها در این فرهنگ‌ها نیز بر زنان تحمیل می‌شوند.

کاپلن^۸ (۱۹۹۰) با تأیید گفته‌های کامرون، به خودآگاهی زنان نسبت به تمایزات جنسی خود اشاره می‌کند و می‌گوید دختران جوان نیز همانند زنان محدودیت‌هایی در کاربرد دشواژه داشته و در صورت بکار بردن دشواژه عذرخواهی می‌کنند و این خود شاهدهی بر منع استفاده از دشواژه توسط زنان و دختران است.

چایکا^۹ (۱۹۸۲) به این مسئله می‌پردازد که چرا تعداد اصطلاحات جنسی مربوط به زنان بیشتر از مردان است؟ پاسخی که چایکا بدین پرسش می‌دهد این است که مردان در جامعه دارای

10. coining
11. Politeness
12. Brown
13. Levinson

1. Sanders
2. Robinson
3. New Zealand
4. Fine
5. Cameron
6. McAlinden
7. O'Leary
8. Kaplan
9. Chaika

درصد است، در حالی که این نسبت برای مردان ۳۸/۶ درصد است. علاوه بر این، هیچ‌یک از زنان گزینه «همیشه» را در مورد میزان کاربرد دشواژه‌های مختلف انتخاب نکرده‌اند، اما ۳۴ درصد مردان گزینه «همیشه» را انتخاب کرده‌اند. جدول شماره (۱) میزان کاربرد دشواژه‌ها را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۱. میزان کاربرد دشواژه به تفکیک جنسیت

جنسیت	درصد فراوانی	فراوانی
زن	۵۷,۱	۴۰
	۳۲,۹	۲۳
	۱۰,۰	۷
	۰	۰
مرد	۳۸,۶	۲۷
	۵۰,۰	۳۵
	۷,۱	۵
	۴,۳	۳

در ادامه برای روشن‌تر شدن مطلب، میزان تأثیر جنسیت بر کاربرد دشواژه‌ها را با استفاده از آزمون تی نشان می‌دهیم. بر اساس آزمون تی برای هر سؤال دو فرضیه داریم. در اینجا فرضیه صفر این است که میانگین کاربرد دشواژه‌ها در میان زنان با میانگین کاربرد دشواژه در میان مردها برابر است و فرضیه یک این است که این میزان در میان زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است. در آزمون تی چنانچه مقدار پی (p) برای آزمون صفر، بیشتر از سطح معنی‌داری (۰/۰۵) باشد فرض صفر تأیید می‌شود و چنانچه مقدار پی برای آزمون صفر، کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد می‌شود. در بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر کاربرد دشواژه مقدار پی کمتر از ۰/۰۵ شد (۰/۰۱۵)، بنابراین فرض صفر رد می‌شود یعنی اینکه میزان کاربرد دشواژه در میان زنان و مردان با یکدیگر یکسان نیست و همان‌گونه که پیشتر ذکر شد مردان بیشتر از زنان در گفتار خود از دشواژه استفاده می‌کنند.

جدول ۲. ارتباط متغیر جنسیت و کاربرد دشواژه

نمونه‌های آزمون تی مستقل			
آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			
بازه اطمینان ۹۵٪ تفاضل			
حد بالا	حد پایین	تفاضل میانگین	مقدار پی
-۱۰۶۲۹	-۵۵۷۸۰	-۳۲۲۰۵	۰۰۱۵

نخست پرسش‌نامه به بررسی موقعیت‌هایی می‌پردازد که سبب می‌شود فرد از دشواژه استفاده کند. گزینه‌های مربوط به این بخش برگرفته از نظریات لیدلیچ^۱ (۱۹۷۳)، هیوز^۲ (۱۹۹۸)، هولمز (۱۹۹۵) و واین ریب (۲۰۰۵) است.

بخش دوم پرسش‌نامه نیز مربوط به میزان کاربرد دشواژه‌ها است. در این بخش از میان صد دشواژه جمع‌آوری شده ۲۳ دشواژه را که از نظر کاربرد بیشترین فراوانی را داشتند برگزیدیم و از افراد خواستیم از میان گزینه‌های هرگز، به ندرت، گاهی، اکثر مواقع و همیشه گزینه مربوط به خود را مشخص کنند. این گزینه‌ها را بر اساس طرح پرسش‌نامه لیکرت^۳ پیشنهاد کردیم. در پایان مرحله دوم گردآوری داده‌ها ۷۰ پرسش‌نامه را که توسط زنان و ۷۰ پرسش‌نامه را که توسط مردان تکمیل شده بودند برای انجام تحلیل‌های خود برگزیدیم. ۲۰ پرسش‌نامه باقی‌مانده، به این خاطر که به صورت کامل یا درست تکمیل نشده بودند، کنار گذاشته شدند.

تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها تمامی سؤالات و گزینه‌های مربوط به آنها را در نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۴ وارد کرده و آنها را کدگذاری کردیم. سپس با توجه به اهداف مورد نظر پژوهش در گام نخست باتوجه به سؤال نخست پرسش‌نامه، مبنی بر شرایط و موقعیت‌هایی که سبب می‌شود فرد از دشواژه استفاده کند، به محاسبه فراوانی گزینه‌های مربوط به آن شرایط و موقعیت‌ها پرداختیم. علاوه بر این، فراوانی میزان کاربرد دشواژه‌ها را نیز در میان افراد محاسبه کردیم تا مشخص شود کدام دشواژه بیشترین فراوانی را دارد. بدست آوردن فراوانی داده‌ها براساس برنامه‌ای که به نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس داده شد انجام گردید. برای پاسخ به پرسش دوم پرسش‌نامه، یعنی بررسی تأثیر متغیرهای سن و تحصیلات بر میزان کاربرد دشواژه از آزمون‌های برابری میانگین‌ها (ANOVA) و برای بررسی تأثیر دو متغیر جنسیت و قومیت از آزمون تی^۵ استفاده کردیم.

تأثیر متغیر جنسیت بر کاربرد دشواژه

به طور کلی بررسی متغیر جنسیت بر کاربرد دشواژه نشان داد که میزان کاربرد دشواژه‌ها با توجه به جنسیت افراد متفاوت است. چنانکه در جدول شماره (۱) نیز دیده می‌شود، نسبت زنانی که در پرسش‌نامه درباره میزان کاربرد دشواژه‌های مطرح شده به گزینه «هرگز» پاسخ مثبت داده‌اند ۵۷

- Liedlich
- Hughes
- Likert
- SPSS
- t-test

تأثیر متغیر قومیت بر کاربرد دشواژه

برای بررسی تأثیر متغیر قومیت بر کاربرد دشواژه نیز از آزمون تی استفاده شد. فرض صفر این است که میانگین کاربرد دشواژه‌ها توسط شوشتری‌ها با میانگین کاربرد دشواژه‌ها توسط بختیاری‌ها برابر است، فرض یک نیز این است که میانگین کاربرد دشواژه‌ها توسط شوشتری‌ها با بختیاری‌ها یکسان نیست. بعد از انجام آزمون مشخص شد که مقدار پی برای آزمون صفر بیشتر از ۰/۰۵ است (۰/۰۸۹) بنابراین فرض صفر تأیید شد و نتیجه گرفتیم که میزان کاربرد دشواژه توسط شوشتری‌ها با میزان کاربرد آن توسط بختیاری‌ها تقریباً برابر است. یعنی اینکه کاربرد دشواژه در شوشتر تحت تأثیر قومیت افراد قرار نمی‌گیرد.

جدول ۳. ارتباط متغیر قومیت و کاربرد دشواژه

نمونه‌های آزمون تی مستقل			
آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			
بازه اطمینان ۹۵٪ تفاضل			
حد بالا	حد پایین	تفاضل میانگین	مقدار پی
۰.۳۳۲۴	-۱.۶۷۷۹	۰.۸۲۳۱	۰.۰۸۹

تأثیر متغیر سن بر کاربرد دشواژه

در بررسی تأثیر سن بر کاربرد دشواژه، بر اساس آزمون برابری میانگین‌ها فرض صفر این است که سن بر میزان کاربرد دشواژه تأثیر نمی‌گذارد و فرض یک این است که سن بر میزان کاربرد دشواژه تأثیر گذار است. بعد از انجام آزمون برابری میانگین‌ها مشخص شد که مقدار پی ۰/۰۱۸ است و در نتیجه فرض صفر رد شد و این نتیجه حاصل شد که میزان کاربرد دشواژه در سنین مختلف با یکدیگر متفاوت است یعنی میان کاربرد دشواژه و متغیر غیرزبانی سن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۴. ارتباط متغیر سن و کاربرد دشواژه

آزمون برابری میانگین‌ها			
مقدار پی	میانگین مجذورها	جمع مجذورها	دشواژه
۰.۱۸	۱,۴۰۰	۵,۶۰۱	بین گروهی
	۰.۴۵۳	۶۱,۲۱۸	درون گروهی
		۶۶,۸۲۰	مجموع

با مقایسه درصد فراوانی سنین مختلف این نتیجه حاصل می‌شود که میزان کاربرد دشواژه در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال بیشتر از سایر گروه‌های سنی و در گروه سنی ۶۰ سال و بالاتر کمتر از سایر گروه‌ها است. بعد از گروه سنی ۱۹-۱۵ سال، به ترتیب گروه‌های سنی ۳۱-۴۹، ۳۰-۲۱ و ۵۹-۵۰ قرار می‌گیرند. نتایج این بخش در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول ۵. مقایسه میزان کاربرد دشواژه به تفکیک سن افراد

سن	درصد فراوانی	فراوانی	
۱۵-۱۹	۳۲,۳	۱۰	هرگز
	۴۵,۲	۱۴	به ندرت
	۱۲,۹	۴	گاهی
	۹,۷	۳	همیشه
	۱۰۰,۰	۳۱	مجموع
۲۰-۳۰	۵۰,۰	۲۷	هرگز
	۴۲,۶	۲۳	به ندرت
	۷,۴	۴	گاهی
	۱۰۰,۰	۵۴	مجموع
۳۱-۴۹	۴۶,۲	۱۲	هرگز
	۵۰,۰	۱۳	به ندرت
	۳,۸	۱	گاهی
	۱۰۰,۰	۲۶	مجموع
۵۰-۵۹	۵۸,۳	۷	هرگز
	۲۵,۰	۳	به ندرت
	۱۶,۷	۲	گاهی
	۱۰۰,۰	۱۲	مجموع
۶۰+	۶۴,۷	۱۱	هرگز
	۲۹,۴	۵	به ندرت
	۵,۹	۱	گاهی
	۱۰۰,۰	۱۷	مجموع

تأثیر متغیر میزان تحصیلات بر کاربرد دشواژه

بررسی‌ها نشان داد که به طور کلی ارتباط معنی‌داری میان سطح تحصیلات و کاربرد دشواژه وجود ندارد، چراکه با انجام آزمون برابری میانگین‌ها مقدار پی ۰/۲۶۷، یعنی بیشتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ شد.

جدول ۶. بررسی تأثیر سطح تحصیلات بر میزان کاربرد دشواژه

آزمون برابری میانگین‌ها			
مقدار پی	میانگین مجذورها	جمع مجذورها	دشواژه
۰.۲۶۷	۶۲۷	۲,۵۱۰	بین گروهی
	۰.۴۷۶	۶۴,۳۱۰	درون گروهی
		۶۶,۸۲۰	مجموع

دلایل کاربرد دشواژه

افراد هنگام ناسزاگویی از دشواژه و واژه‌های ناخوشایندی^۱ استفاده می‌کنند، که نباید در گفتگو آنها را به کار برد. اگرچه جامعه کاربرد دشواژه‌ها را ممنوع کرده است اما با وجود این تقریباً همه ما ناسزا می‌گوییم. به بیانی ساده می‌توان گفت کاربرد دشواژه تأثیری منفی بر شنونده خواهد گذاشت. دوتون^۲ (۲۰۰۷: ۳) نیز تأثیر منفی دشواژه‌ها را تأیید کرده و می‌گوید از آنجاکه دشواژه‌ها نفرت‌انگیز، بی‌ادبانه و توهین‌آمیز هستند، دربرگیرنده مفاهیم منفی هستند و سبب افکار منفی نسبت به افرادی می‌شوند که آنها را به کار می‌برند. به طور کلی می‌توان گفت دلایل استفاده یا عدم استفاده از دشواژه‌ها به اهداف گوینده بستگی دارد. ناسزاگویی مانند استفاده از بوق ماشین است و می‌تواند نشان‌دهنده احساسات مختلف باشد (ون لَنکر^۳، ۱۹۸۸). جی^۴ (۱۹۹۲ و ۲۰۰۰) معتقد است دو سوم از دشواژه‌ها برای بیان عصبانیت، شکست و ناکامی است و شاید این دلیل اصلی ناسزاگویی باشد. همچنین گاهی برخورد فیزیکی میان افراد با ناسزاگویی و کاربرد دشواژه جایگزین می‌شود و فرد بعد از آن احساس بهتری خواهد داشت. گاهی فرد از روی عادت گفتاری و بدون هیچ‌گونه انگیزه خاصی از دشواژه استفاده می‌کند که حتی در این شرایط نیز، باتوجه به معیارها، کاربرد دشواژه دور از ادب است. به هر روی، کاربرد دشواژه رفتاری است که خاص بشر است و دربرگیرنده اهداف خاصی است. دشواژه‌ها وجود دارند چراکه می‌توانند شدت احساسات را به‌گونه‌ای نشان دهند که غیردشواژه‌ها از پس آن برنمی‌آیند (پاتس^۵، ۲۰۰۷).

برای یافتن موقعیت‌ها و شرایطی که سبب می‌شود فرد از دشواژه استفاده کند از نظریات هیوز (۱۹۹۸: ۲۲۵)، هولمز (۱۹۹۵: ۱۲)، لیدلیج (۱۹۷۳: ۲۱۳) و واین ریب (۲۰۰۵: ۲۴) بهره گرفتیم و بعد از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که بیشترین موقعیت‌های کاربرد دشواژه و ناسزاگویی هم در میان زنان و هم در میان مردان هنگام عصبانیت و دیگری هنگام ناراحتی بود که در این میان ۵۱/۷ درصد زنان و ۴۵/۷ درصد مردان هنگام عصبانیت ناسزا می‌گویند و ۵۱/۴ درصد زنان و ۴۲/۹ درصد مردان هنگام ناراحتی از دشواژه استفاده می‌کنند.

بعد از عصبانیت و ناراحتی سایر مواردی که باعث کاربرد دشواژه می‌شوند، برای زنان به‌ترتیب عبارتند از: هنگام شوخی با دوستان (۳۱/۴ درصد)، هنگام تعجب کردن و دچار شوک شدن (۱۵/۷ درصد)، برای توهین به طرف مقابل (۱۴/۳ درصد)، برای نشان دادن مخالفت (۱۴/۳ درصد)، برای نشان دادن صمیمیت (۱۲/۹ درصد)، هنگام شکست و

ناکامی (۸/۶ درصد)، هنگام خوشحالی (۵/۷ درصد)، برای جلب توجه دیگران (۴/۳ درصد) و هنگام احساس درد (۲/۴ درصد). درباره مردان این موارد به ترتیب عبارتند از: هنگام شوخی با دوستان (۲۸/۶ درصد)، برای توهین به طرف مقابل (۲۲/۹ درصد)، برای نشان دادن مخالفت (۲۰ درصد)، هنگام شکست و ناکامی (۱۲/۹ درصد)، برای نشان دادن صمیمیت (۷/۱ درصد)، هنگام احساس درد (۷/۱ درصد)، هنگام تعجب کردن و دچار شوک شدن (۵/۷ درصد)، هنگام خوشحالی (۴/۳ درصد). شایان ذکر است که هیچ‌یک از مردان به‌گزینه «برای جلب توجه دیگران» پاسخ مثبت نداده‌اند.

نتیجه‌گیری

ما همواره در طول زندگی خود از دشواژه استفاده می‌کنیم. حتی افرادی که به آفازیا و آلزایمر مبتلا هستند و نام اعضای خانواده خود را فراموش کرده‌اند، در گفتار خود دشواژه‌ها را به کار می‌برند. بیمار آفازی مشهور پل بروکا^۶ توانایی گفتار سلیس و روان خود را از دست داده بود اما همچنان توانایی ناسزا گفتن خود را حفظ کرده بود. مطالعات بسیاری درباره توانایی‌های زبانی که این بیمار از دست داده بود انجام شد اما به این موضوع پرداخته نشد که چرا وی بعد از آسیب مغزی توانایی ناسزاگویی خود را حفظ کرده است (جی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳). انسان‌ها برای نشان دادن احساسات خود روش‌های متفاوتی دارند و یکی از این روش‌ها ناسزاگویی و کاربرد دشواژه است.

گفته می‌شود ناسزاگویی به عوامل شخصیتی فرد بستگی دارد. در واژگان گروه‌های اجتماعی بسیاری از جمله پلیس‌ها، سربازان، دانش‌آموزان و دانشجویان، معتادان، ورزشکاران، بیماران روانی، زندانیان و غیره دشواژه‌ها و ناسزاها ثبت شده است (جی، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰). زبان‌شناسان اجتماعی تأثیر متغیرهای مختلفی را بر کاربرد دشواژه بررسی کرده‌اند. یافته‌های ما در این پژوهش درمورد دشواژه‌های رایج در شهر شوشتر نشان داد که باتوجه به ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی شوشتر نسبت به موضوع مرگ، از میان دشواژه‌های مطرح شده در پرسش‌نامه، دشواژه «خاک بر سرت» بیشترین فراوانی را هم در گفتار زنان و هم در گفتار مردان به خود اختصاص داده است. همچنین برای طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج در شهر شوشتر از طبقه‌بندی‌های جی (۱۹۹۲)، هیوز (۱۹۹۸)، تراگیل (۱۹۸۶)، به نقل از ژاپوتری، (۲۰۰۶: ۸) و وارداف (۱۹۸۶) استفاده کردیم و در پایان دشواژه‌های به کار رفته در این شهر را در یازده گروه قرار دادیم (جدول شماره ۷). در مرحله بعد به بررسی ارتباط میان متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت، قومیت و تحصیلات و کاربرد دشواژه‌ها پرداختیم.

1. Nasty words
2. Dutton
3. Van Lancker
4. Jay
5. Potts

6. Paul Broca

جدول ۷. طبقه‌بندی دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان شوشتر

بی‌ناموس	فحش ناموسی
خر	فحش حیوانی
کوسوی	فحش مقاربتی
برو به جهنم	فحش با اشاره به موضوع مرگ
کثافت	گُه فحش
خدا لعنتت کنه	فحش با اشاره به موضوعات مذهبی
نفهم	فحش تحمیق و تحقیر
دردم تو جونت	فحش با اشاره به بیماری
شوشتری خسیس	توهین‌های شخصی
چلاق	فحش‌های معلولیتی
در واقع تابویی غیر زبانی است.	فحاشی با انگشت شست

منابع

ابهریان آزادی، سلماز (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی دشواژه‌ها و به‌واژه‌ها در فارسی و ترکی آذربایجانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. ارباب، سپیده (۱۳۹۱). بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۴، ۱۰۷-۱۲۴. سمائی، سید مهدی (۱۳۸۲). فرهنگ لغات زبان مخفی (با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان). تهران: نشر مرکز. شکیبیا، نوشین (۱۳۸۳). تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. شوشترسیتی (بی‌تا). شوشترشناسی. برگرفته از سایت http://shushtarcity.com/shushtar_shenasi.php#tag_hsimat در تاریخ دسامبر ۲۰۱۲.

کالوه، ژان لوئی (۱۳۸۸). زبان مخفی چیست؟ مترجم: شهرروز پزشکی. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Brown, P. & C. Levinson (1978). Universals in Language Usage: Politeness Phenomena. In: E. Goody (Ed.), *Questions and Politeness: Strategies in Social Interaction*, (56-289). Cambridge: CUP.

Brown, P. & C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: CUP.

Cameron, D., F. McAlinden & K. O'Leary (1988). Lakoff in Context: The Social and Linguistic Functions of Tag Questions. In: D. Cameron & J. Coates (Eds), *Women's Language: Critical Approaches*, (74-93). Longman.

Chaika, E. (1982). *Language: The Social Mirror*. USA: Newbury House Publishers.

Culpeper, J. (1996). Towards an Anatomy of Impoliteness. *Journal of Pragmatics*, 25, 349-367.

Dutton, E. (2007). Swearing as Witness Evangelism in Student Evangelical Groups. *Journal of Religion and Popular Culture*, 16, 1-28.

Fine, M. G. (1984). Female and Male Motives for Using Obscenity. *Journal of Language and Social Psychology*, 1(3), 59-74.

Hasanah, I. (2010). *A Sociolinguistic Study of Swear Words Spoken By the Characters in "8 Mile"*. MA. Thesis, University of Maulana Malik Ibrahim Malang.

Holmes, J. (1995). *Women, Men and Politeness*. London: Longman.

در این تحقیق پس از انجام آزمون تی و با توجه به کمتر بودن مقدار پی از سطح معنی‌داری (۰/۰۵) به این نتیجه رسیدیم که میزان کاربرد دشواژه در گفتار زنان و مردان شهر شوشتر با یکدیگر برابر نیست و مردها بیشتر از زنان از دشواژه استفاده می‌کنند، به عبارت دیگر میان کاربرد دشواژه و جنسیت گویشوران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

برای بررسی تأثیرمتغیر قومیت بر کاربرد دشواژه از آزمون تی استفاده شد و این نتیجه حاصل شد که میزان کاربرد دشواژه توسط شوشتری‌ها با میزان کاربرد آن توسط بختیاری‌ها تقریباً برابر است، یعنی میان کاربرد دشواژه و عامل قومیت رابطه معنی‌داری وجود ندارد و این بدان خاطر است که در شهر شوشتر شوشتری‌ها و بختیاری‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و اگرچه به دو گویش متفاوت سخن می‌گویند اما عامل جغرافیایی تأثیری بر متفاوت بودن دشواژه‌های این دو قوم و میزان کاربرد آن در میان آنها نداشته است. هولمز (۲۰۰۱: ۱۶۷) معتقد است که از جمله عوامل مؤثر بر انتخاب واژگان سن گوینده است و مشخصه‌های زبانی از سنی به سن دیگر متفاوتند و به همین ترتیب کاربرد دشواژه‌ها نیز تحت تأثیر سن فرد قرار می‌گیرد. بعد از انجام آزمون برابری میانگین‌ها مشخص شد که میزان کاربرد دشواژه در سنین مختلف با یکدیگر متفاوت است، بدین معنا که میان عامل سن و کاربرد دشواژه رابطه معنی‌داری وجود دارد و این میزان در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال بیشتر از سایر رده‌های سنی است. بررسی تأثیر سطح تحصیلات بر میزان کاربرد دشواژه نیز نشان داد که به‌طور کلی سطح تحصیلات تأثیری بر میزان کاربرد دشواژه ندارد. برای یافتن موقعیت‌ها و شرایطی که سبب می‌شود فرد از دشواژه استفاده کند، بعد از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل شد که بیشترین موقعیت‌های کاربرد دشواژه هم در میان زنان و هم در میان مردان هنگام عصبانیت و دیگری هنگام ناراحتی است.

- Holmes, J. (2001). *An Introduction to Sociolinguistics*. 2nd ed. England: Pearson Education.
- Hughes, G. (1998). *Swearing: A Social History of Foul Language, Oaths and Profanity in English*. Oxford: Blackwell.
- Japutri, S. C. (2006). *A Study of Swear Words Used by All Characters in The Movie "The Nutty Professor"*. Unpublished thesis. Petra Christian University (http://dewey.petra.ac.id/jiunkpe_dg_5708.html accessed on July, 2012).
- Jay, T. (1992). *Cursing in America*. Philadelphia: John Benjamins.
- Jay, Timothy. (2000). *Why We Curse: A Neuro-Psycho-Social Theory of Speech*. Philadelphia: John Benjamins.
- Jay, T. (2003). *The Psychology of Language*. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Kaplan, C. (1990). *Language and Gender: The Feminist Critique of Language*. London and New York: Routledge.
- Lakoff, R. (1972). *Language and Women's Place*. New York: Harper and Row.
- Lanchenicht, L. G. (1980). Aggravating Language: A Study of Abusive and Insulting Language. *International Journal of Human Communication*, 13(4), 607-688.
- Liedlich, R. D. (1973). *Coming to Terms with Language: An Anthology*. New York: John Wiley and Sons Inc.
- Potts, C. (2007). The Expressive Dimension. *Theoretical Linguistics*, 33, 165-198.
- Qanbar, N. (2011). A Sociolinguistic Study of the Linguistic Taboos In The Yemeni Society. *MJAL* .3(2), 86-104.
- Rori, L. (2008). *The Use of Taboo Words by Manadonese Living in Surabaya*. Unpublished thesis. Petra Christian University (http://dewey.petra.ac.id/jiunkpe_dg_11541.html accessed on July, 2012).
- Sanders, J. S. & W. L. Robinson. (1979). Talking and not Talking about Sex: Male and Female Vocabularies. *Journal of Communication*, 2, 22-30.
- Trudgill, P. (1986). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*. Harmondsworth: Penguin Books.
- Van Lancker, D. (1988). Nonpropositional Speech: Neurolinguistic Studies. In: A. Ellis (Ed.), *Progress in the Psychology of Language*, (49-118). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Wajnryb, R. (2005). *Expletive Deleted: A Good Look at Bad Language*. New York: Free Press.
- Wardhagh, R. (1986). *An Introduction to Sociolinguistics*. Oxford and New York: Basil Blackwell.